آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

« بهای اشتراک »
سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمین و کارمندان جزء دوائر تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

نشانی اداره:
([illegible])

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

در بازار پر فضاحت انتخابات

انتخابات شیراز

[illegible] تلگرافی را که از شیراز [illegible] بر انتخابات [illegible] داده‌اند از نظر خوانندگان [illegible] اگر درباره دولت سرمقاله [illegible]

[illegible]

کاندید دولت یعنی [illegible] آقای استاندار [illegible] چه معنی دارد [illegible] آقایان [illegible] چرا [illegible] که مرکز [illegible] های دولت و سازمان‌ها [illegible] نماینده [illegible] آن اکثریت [illegible] نخواهد داشت [illegible] مجلس [illegible] ملت اکثریت آن را از خود [illegible] مردم امیدوار [illegible] چرا نمی‌خواهید این چیزهای ساده را بفهمید.

[illegible] برای تحمیل کاندید خود تلگراف رمز میکنید، دیگر خیلی جلو می‌کشید.

چرا خود ملت ایران را در نظر [illegible] اگر چنین است خیلی اشتباه میکنید. نماینده مجلس باید به آرای عمومی، با اکثریت ملت متکی باشد ـ والا هیچکس آنان را بحساب نخواهد آورد.

جای دیگر تلگراف چنین مینویسد:

«سپس تلگراف رمزی میرسد که بجای آقای معدل آقای عباسقلی عرب شیبانی را بگذارند آقای معدل آگاه شده بتهران مراجعت بطوریکه صریحاً گفته‌اند کار خود را نزد آقای قوام اصلاح نموده خود را مجدداً جزو کاندیدهای تحمیلی قرار داد، بشیر از مراجعت و آقای خواجه‌نوری کفیل استانداری را تحت نفوذ قرار داده و الخ»

این آقای قوام چرا باید دولتی در دولت تشکیل دهد، چرا باید معدل [illegible] اصلاح کند؟ [illegible] از یکطرف [illegible] از یکطرف قوام [illegible]

[illegible]

ولی [illegible] عادت زورگوئی و بی اعتنائی به احساسات عامه [illegible] در همه جا رسوخ کرده است که باین [illegible] زایل شود. در تلگراف بر بروز [illegible] میپرسند که اولا **آیا دولت با آقای استاندار برای بقیه انتخابات فارس کاندیدی دارند یا خیر؟ ثانیاً کتبی یا تلگرافی رمز یا کشف اشخاصی را به استانداری توصیه یا معرفی کرده‌اند یا خیر؟ و اگر کرده‌اند نام ایشان چیست؟** جواب این دو سئوال در متن تلگراف داده شده است. [illegible] میگوید: «آقای معدل چندی قبل بشیراز آمده در تمام محافل اظهار داشته‌اند که خودشان و آقایان [illegible] و دهقان کاندید دولت و آقای [illegible] مقامات دیگر هستند [illegible]»

[illegible]

بقلم: ا. وارگا عضو آکادمی شوروی

طرح تثبیت پول ها

بعد از جنگ

[illegible] اضافه بر سرمایه [illegible] ایجاد بانکی را برای [illegible] دولی مالی که در بنگاه مزبور شرکت نموده‌اند [illegible]

طبق [illegible] بانک مزبور باید [illegible]

دادن سرمایه برای عملیات ترمیم خرابیهای جنگ، مساعدت برای [illegible] کشورهای عضو بنگاه [illegible] همکاری اقتصادی کشورهای متحد عضو بنگاه در طرف کردن [illegible] گمرکی [illegible] مواد اولیه برای تمام [illegible] ملایم کردن بحران های اقتصادی ( ) جلوگیری از بحران های مالی ( )

امروزی میزان محصول کار و [illegible] بالا بردن سطح زندگی در کشور های [illegible]

[illegible]

[illegible] طلا را اساس قرار میدهد [illegible] منافع مخصوص اقتصادی کشور خود را در نظر [illegible]

نقل از دیلی ورکر چاپ طهران

حمله قایق اژدرانداز انگلیسی بزیر دریائی آلمانی

در تنگه مسین

حکایت زیر نقل از [illegible] ([illegible]) [illegible] در روزنامه [illegible] میباشد.

«گمان میکنم این اولین دفعه‌ایست که یک قایق اژدرانداز [illegible] زیر دریائی آلمانی [illegible]»

[illegible]

ب. ل

برای زنان و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تلگراف!

از اصفهان

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رونوشت رهبر، رونوشت مردم، رونوشت آژیر، انتخاب آقای پروین گنابادی را به نمایندگی دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بعموم رفقای حزبی تبریک میگوید

کمیته ایالتی حزب توده اصفهان

از آمل

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رونوشت رهبر، رونوشت مردم، رونوشت آژیر، حزب توده آمل [illegible] آزادی مواد [illegible] رفقای آزادیخواه تسلیت عرض میکند کمیته حزب توده آمل [illegible] آذری

باقی در صفحه ۴

مهمترین خبرهای خارجی

عملیات پیاده کردن نیرو در ایتالیا مانند ماموری صورت گرفته است

[illegible]

تلفات ژاپنی هنوز در ناحیه جزایر سلیمان سنگین است

[illegible]

پیاده کردن نیرو در ایتالیا ادامه دارد

[illegible]

اعلامیه ستاد ارتش متفقین درشمال افریقا

[illegible]

در جنوب لنینگراد آلمانی ها بسوی جنوب عقب نشینی میکنند

[illegible]

وزیر جدید انگلستان در خاور میانه

[illegible]

اعلامیه شوروی

[illegible]

جبهه ایتالیا

[illegible]

صدها هواپیمای متفقین بهدف های نظامی پادوکاله حمله ور شدند

[illegible] بعد از ظهر دسته بزرگی از هواپیماهای ما رود را ازتنگه پادوکاله گذشته ودر حدود سیصد تن بمب بر هدفهای نظامی ناحیه پادوکاله ریختند.

تاکنون این ۹ لشکر بشدت در خط گوستاو مقاومت نموده و بکرشته عملیات سخت [illegible] انجام داده اند.

نگرانیها

ازمشهد

[illegible]

ازسراب

[illegible]

ازمراغه

[illegible]

آگهی فروش آهن

شرکت سهامی بیمه ایران معادل ۲۷۶۱ [illegible] کیلو آهن گرد [illegible] بطور مزایده بفروش میرساند طالبین برای ملاحظه آن [illegible] صبح الی [illegible] ساعت بعدازظهر بکاربردازی شرکت واقع در خیابان [illegible] مراجعه نموده و پیشنهاد خود را [illegible] تا آخر روز ۵ / ۱۱ / ۱۳۲۲ بدفتر شرکت [illegible] ترتیب اثر داده [illegible] در حلسه مزایده آزاد و شرکت در رد و قبول آن [illegible]

شرکت سهامی بیمه ایران

آگهی مناقصه

ژاندارمری کل کشور [illegible] مقداری [illegible] در کمیسیون خرید ژاندارمری مناقصه میگذارد [illegible] صندوق اداره حسابداری ژاندارمری [illegible] پیشنهاد خود تا روز [illegible] بهمن ماه ۱۳۲۲ [illegible]

پیشنهادات [illegible] روز [illegible] بهمن ۱۳۲۲ ساعت ده صبح در کمیسیون خرید [illegible] در جلسه مناقصه آزاد [illegible] به پیشنهادات [illegible] ترتیب اثر داده نمیشود.

ش ۲۱۷۰

اداره سررشته داری ژاندارمری کل کشور

آگهی مناقصه شماره ۱۰۹

بنگاه کاربردازی کل کشور [illegible] و نصب لوازم برق آسایشگاه [illegible] را بمناقصه میگذارد.

اشخاص یا شرکتهائیکه مایل بشرکت در این مناقصه میباشند می توانند اسناد و مدارک مربوطه را مجاناً ازاداره ساختمان بنگاه کاربردازی کل کشور (خیابان شاهپور کوچه امیری شماره ۵۶) دریافت نمایند.

دفتر اداره نامبرده پیشنهادات مربوطه را تا ساعت ۱۰ روز پنجشنبه [illegible] ماه میپذیرد و در همان روز و همان ساعت قرائت خواهد شد.

بنگاه کاربردازی کل کشور در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

بنگاه کاربردازی کل کشور

ش ۲۴۹ — ۲-۲

ترجمه کریم کشاورز — ۱۵ — نگارش جون بی پریستلی

تاریکی گرتلی

فنکرست با تزلزل خاطر چنین آغاز کرد:

مبدانید مستر بلند همان موقعی که من و شما با هم ملاقات کردیم وقایع نامطبوعی بین من ورام پیش آمد - راستی کجا با شما ملاقات کردم؟

من جواب دادم:

من و شما یکدیگر را در کلارکودچ [illegible] موضوع هم بین شما و زنتان پیش آمد و بلکه بین شما وبلس واقع شد.

این «وقایع غیر مطبوع» که فنکرست صحبت از آن مینداشت جسته از معاملات مشکوکی که رابطه با وزارت [illegible] داشت پیش آمده بود موضوع جواز صادرات بود و تمام این جزئیات فقط [illegible] ازکه فنکرست ممکن بود مورد استفاده اشخاص بکه اداره مخصوص [illegible] علاقه داشت واقع شود توجه را جلب میکرد.

ولی فنکرست خودش آدم کوچک و تبهکاری بود ومن از شان داشتم. این یکی ازآن عناصری بود که همیشه برای نادرستی آماده اند از آنجهت که طبعا متقلب مانند بلکه فقط چون طمع پول و آسایش و زندگی بیخیال ودوست دارند وميل ندارند زیادکار بکنند دست بدامان تزویر و نادرستی میزنند.

شماره اینان به هزارها سرمیزند و هرقدر زودتر ایشان را از جاهائی که پنهان شده اند بیرون کشیده واز تجارتخانه ها و ادارات اخراج کرده و به هیزم شکنی و راه سازی واداریم همانقدر آسایش دیگران بیشتر و زندگیشان بهتر خواهد شد.

فنکرست با شتاب گفت:

«این موضوع تقصیر بیش نبود — چنانکه گفتیم با ژلم اختلافاتی پیش آمد وولی درآنجا بین بعضی را پیشنهاد کرده من قبول کرده و اسم را عوض کردم و امیدوار بودم که دیگر ژلم نخواهم یافت. این ازآغاز تاانجام همش بود میل دارید چیزی بنوشید؟»

من پاسخ ندادم.

— متشکرم، میل ندارم، چرا اینجا شما را صاحب «بی بی خاج» [illegible]

او گفت

— شما ازکجا میدانید که من صاحب مهمانخانه هستم؟

من گفتم خوب بود می‌پرسید من ازکجا میدانم که ایشان قهرمان پهلوان سنگین وزن باوکان امپراطوری هستند.

او گفت

«این مسئله دیگری است، برای شما این مطلب کافی است که باسلام من نگاه کرده»

من گفتم

«همین کار را می کنم»

واقعا نیم دقیقه تمام درست توی چشمش نگاه کردم. نگاه من خیلی او را در زحمت انداخته بود و گاهی گیلاس و گاهی قوطی سیگار را لمس میکرد و دستپاچه شده بود.

من پرسیدم

«بگوئید ببینم صاحب این بنگاه کیست؟»

او با ترس باطراف نگریست — شانه را تکانی داد — خیلی مضطرب بنظر میآمد و من ازاضطراب او حظ میبردم وسئوال خودرا تکرار میکردم، بالاخره پاسخ داد:

— من گمان نمیکنم شما حق چنین سئوالی را داشته باشید، باضافه برای من نیز مناسب نیست باین پرسش شما پاسخ بدهم.

من چنین گفتم:

« — فنکرست — حرف بزنید — دادن پاسخ این سئوال برای شما بسیار هم مناسب است. بارسئوال خودرا تکرار میکنم و اما راجع باینکه آیا حق چنین پرسشی را دارم یانه ندارم — این امر بشما مربوط نیست — حرف بزنید!»

او تسلیم شد و برنجکی گفت:

«صاحب اینجا میبز جسوند است، ولی هیچکس نباید در اینخصوص اطلاعی حاصل کند و خواهشمندم شما مرا لو ندهید — امروز شما با میبز جسوند غذا خوردید — چنین نیست؟»

من جواب دادم:

« — آری — غذا هم بسیار عالی بود — میبز جسوند کیست؟»

واستش را بگویم خود من هم راجع باو زیاد اطلاعی ندارم — ازقرار معلوم زن ميوه‌ایست وزندگی بسیار عالی داشته است.

سالهای اخیر را در «ریوبرا» زندگی میکرده — درست قبل از سقوط فرانسه آنجا را ترک گفته است — از قرار معلوم در انگلستان ثروت بسیاری دارد.

این مهمانخانه را فقط از روی هوس خریده و برای تفریح براه انداخته است.

بعضی از کارکنان ما — مثلا آشپز مهمانخانه و «جو» — از آشنایان قدیمی میبز جسوند هستند و بسرای مساعدت با ایشان بخدمت قبولشان کرده است.

من گفتم

— «جو» را گویا وقتی که در مهمانخانه «بورانی» لندن کار میکرد میشناختم!

فنکرست جواب داد:

— «آری، بعداز آنکه مهمانخانه «بورانی» بر اثر بمباران خراب شد «جو» بیکار ماند و یکی ازهستی ساقط شده بود ومیخواست ازلندن خارج بشود ومیبز جسوند اورا باینجا آورد.»

در تمام این قصه فقط یک اشتباه وجود داشت که تاریخ ها درست درنیامد.

من تصادفا اطلاع داشتم که رستوران «بورانی» را در اکتبر سال ۱۹۴۰ بمباران کرده بودند و چنین بر میآید که «جو» قبل از آمدن به گرتلی یک سال تمام در لندن ول بود و دلالت بقول فنکرست «از هستی ساقط میشد»

من گفتم:

— راستی این قوص عجیبی است که شما شخصی مانند «جو» را گیرآورده اید.

ازقرار معلوم اومحبوب تمام مشتریان شماست — خوب گمان میکنم مهمانخانه «بی بی خاج» کار پر نفعی است؟

فنکرست جواب داد.

«کارمان خوب است وعلت اصلی آنهم اینست که ذخیره بزرگی از [illegible]

www.iran-archive.com